
ایران در حکومت روحانیون

دیلیپ ہیرو

ترجمة محمدجواد یعقوبی دارابی

www.ketabo.ir

هیرو، دیلیپ Hiro. Dilip
ایران در حکومت روحانیون / دیلیپ هیرو؛ مترجم
محمدجواد یعقوبی دارابی — تهران: مرکز
بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، ۱۳۸۶،
۳۸۴ ص.

ISBN 964-8418-10-1: ۴۰۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی: Iran under the ayatollahs
۱. ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -
۱۳۷۶. ۲. ایران -- تاریخ پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷.
الف. یعقوبی دارابی، محمدجواد، مترجم. ب. مرکز
بازشناسی اسلام و ایران.
۹۵۵/۰۸۴ DSR۱۵۷۰/۵۹
کتابخانه ملی ایران ۲۹۹۱۴-۸۳ م



مرکز پژوهش‌های اسلام و ایران

ایران در حکومت روحانیون

دیلیپ هیرو

محمدجواد یعقوبی دارابی

شمارگان: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶

شماره نشر: ۱۲۱

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

ناشر: انتشارات باز

شابک: ۹۶۴-۸۴۱۸-۱۰-۱

تهران: فلسطین شمالی،

ساختمان ۲۵۵، طبقه دوم

کد پستی: ۱۴۱۶۷-۵۳۴۹۶

تلفن ۸۸۸۹۸۹۴۹-۸۸۸۹۵۳۸۶

دورنگار: ۸۸۸۹۸۹۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۷ → یادداشت ناشر

۱۱ → پیشگفتار

۱۵ → مقدمه

۲۳ → ۱) قبل از انقلاب اسلامی

۲۳ → میراث اسلامی

۳۱ → دوره قاجار

۳۷ → ۲) سلسله پهلوی

۵۴ → محمدرضا شاه پهلوی

۵۹ → شاه: پرواز و بازگشت

۶۵ → ظهور مجدد

۷۲ → انقلاب سفید

۸۱ → شاه در برابر [امام] خمینی

۸۷ → روزه اقتصادی

۹۸ → افزایش چشمگیر قیمت نفت

۱۰۹ → ۳) پایان سلطنت

۱۱۰ → مرحله اول: از بهمن ۱۳۵۵ تا مهر ۱۳۵۶

۱۱۲ → مرحله دوم: آبان تا آذر ۱۳۵۶

۱۱۵ → مرحله سوم: از دی ماه ۱۳۵۶ تا خرداد ۱۳۵۷

۱۱۹ → مرحله چهارم: از تیر ماه تا ۲۷ شهریور ۱۳۵۷

مرحله پنجم: از ۱۸ شهریور تا ۱۵ آبان ۱۳۵۷ ← ۱۲۶

مرحله ششم: ۱۵ آبان ۱۳۵۶ تا ۲۶ دی ۱۳۵۷ ← ۱۳۱

مرحله نهم: ۲۶ دی تا ۲۲ بهمن ۱۳۹ ←

تحلیلی بر سقوط شاه ← ۱۴۵

(۴) بنیانگذاری جمهوری اسلامی ← ۱۵۷

شورشیان محلی و مشکلات دیگر ← ۱۶۷

قانون اساسی ← ۱۷۳

شکل حکومت خمینی ← ۱۸۴

(۵) بحران گروگان‌های امریکایی ← ۲۰۱

شریعتمداری در برابر [امام] خمینی ← ۲۰۵

مجاهدین خلق ← ۲۰۹

بنی صدر به عنوان رئیس جمهور ← ۲۸۴

ارتش ← ۲۲۶

تزام بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی ← ۲۲۷

(۶) جنگ خلیج فارس ← ۲۳۷

عزل بنی صدر ← ۲۵۷

(۷) مبارزه مجاهدین ← ۲۶۷

حزب توده ← ۲۸۶

جنگ و اقتصاد ← ۲۹۵

مخالفین ← ۳۱۲

(۸) استحکام پایه‌ای دولت اسلامی ← ۳۱۷

سرکوب حزب توده ← ۳۲۳

جنگ: نقاط قوت و ضعف ← ۳۲۹

گروه‌های هم فکر اسلامی ← ۳۴۴

سازمان‌های انقلابی و اسلامی سازی ← ۳۵۷

امام خمینی و جانشین وی ← ۳۷۳

نمایه ← ۳۸۱

یادداشت ناشر

چنان که می‌دانیم پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور، ناظران را با پدیده‌ای تازه در صحنه سیاسی جهان روبرو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، اهداف و سرشت خود در هیچ یک از معیارهای سیاسی جهان نمی‌گنجد. از این رو، شناخت عمیق و همه‌جانبه از ابعاد، وجوه، ایدئولوژی، بازتاب، دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های رهبری و شیوه‌های مبارزاتی در آن، همواره در دو دهه گذشته، مورد توجه و اعتنا بوده است. این توجه و اعتنا بیانگر آن است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مؤثرترین پدیده‌های دهه‌های پایانی قرن بیستم، تأثیرات و بازتاب‌های گسترده‌ای در ایران، منطقه و جهان داشته و از ابعاد و جهات گوناگون مورد توجه و مطالعه صاحب‌نظران، ناظران، سیاستمداران و نظریه‌پردازان ایرانی و غیرایرانی واقع شده است. بطوری که طی دو دهه از وقوع این پدیده، هزاران کتاب و مقاله تحقیقی و تحلیلی در توصیف، توضیح و تبیین آن به زبان‌های مختلف و به ویژه در دانشگاه‌ها و محافل آکادمیک غرب نگاشته شده؛ که نشان از اهمیت و توجه مستمر به این پدیده شگرف و تاریخ‌ساز دارد. بی‌تردید، اطلاع از این آثار و محتوای آنها و مطالعه و ترجمه این گفته‌ها و نوشته‌ها، برای ایرانیان که پدیدآورندگان و صاحبان این انقلابند، ضروری و رهگشاست و در شناخت دقیق‌تر در مسیر تکامل انقلاب اسلامی سخت‌نیکو و مفید است.

این مطالعات و پژوهش‌ها تنها در یک کشور و یا یک مجمع و محفل خاص چهره نبسته، بلکه در مراکز و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی کشورهای اسلامی، اروپایی و آمریکایی، آفریقایی و آسیایی صورت گرفته است. پاره‌ای از این پژوهش‌ها از سوی اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان علاقمند به ایران نگاشته شده و پاره‌ای نیز از سوی ایرانیان خارج از کشور. همچنان شماری از نوشته‌ها از سوی

جامعه‌شناسان، محققان دنیای ارتباطات و استادان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی و اقتصاد و فرهنگ پدید آمده‌اند. پدیداست در بین این افراد، عده‌ای به تبیین علمی پدیده انقلاب پرداخته‌اند و گروهی نیز با هدف شناخت برای مواجهه، مبارزه، ارتباط و یا اثرگذاری پژوهش‌هایی را سامان داده‌اند.

ناگفته نگذاریم که بسیاری از آثار منتشر شده؛ با ابتناء بر روش‌های علمی، نظریات جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات تدوین یافته و تلاش داشته‌اند تا موضوع و مقوله مشخصی را مورد بررسی قرار دهند. پس، باید گفت که برخی از این آثار می‌توانند گوشه‌هایی از واقعیت‌های انقلاب اسلامی را بنمایاند.

هدف از انتشار این مجموعه آن است که از دیدگاه‌های خارجی‌ان و خارج‌نشینان در باره انقلاب اسلامی، مسائل ایران، اسلام و امام خمینی مطلع شویم. و نیز با شناخت از اطلاعات و دیدگاه‌های آنان، گزارش درستی از نگاه و تلقی‌شان از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی تشیع نزد آنان داشته باشیم و از نسبت واقع‌نمایی آگاهی‌های آنان با واقعیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور مطلع گردیم. برای دستیابی بدین هدف، ابتدا کلیه کتاب‌هایی که در خارج از کشور در خصوص انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران و شخصیت، افکار و اندیشه‌های امام خمینی منتشر شده بود؛ شناسایی و فراهم آمد و پس از آن، یک گروه علمی صاحب‌نظر و متخصص در زمینه انقلاب اسلامی از بین ۵۷۰۰ کتاب در دسترس، براساس شاخص‌هایی؛ کتابهای تبلیغی و سطحی و عوامانه را کنار نهاد و از بین آنها، ۵۰۰ کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی و ترکی را انتخاب نمود. در مرحله بعد، از بین این تعداد کتاب، کتاب‌هایی که در آنها صبغه آکادمیک و روش تحقیق علمی رعایت شده بود و همچنین، مؤلفان بر آن بوده‌اند تا به زعم خود بعدی از ابعاد انقلاب اسلامی را بازگو نمایند، انتخاب گردید و به دست ترجمه سپرد شد.

ناگفته پیداست که در اینجا ما با دیدگاه پژوهشگرانی روبرو هستیم که بر مبنای تلقی و تخصص خود؛ درصدد شناخت و تحلیل و تبیین انقلاب اسلامی بوده‌اند. این گروه چه بسا، در تحقیق و نتیجه‌گیری خود به خطا رفته باشند. البته چنانچه این خطا عمدی نبوده و نویسندگان درصدد تحریف و وارونه جلوه دادن حقایق نبوده باشند، بر آنها حرجی نیست، چه،

بر سماع راست هر کس چیر نیست طعمه هر مرغکی انجیر نیست
 واقعیت این است که این نظرات، دیدگاه‌هایی است که وجود دارند. و ما را این
 گونه می‌بینند. اینکه این تلقی خوشایند ما هست یا نیست، مسأله دیگری است.
 به هر روی، مطاوی این نوشته‌ها حتی اگر در تضاد با واقعیات موجود باشد و یا
 آنکه نتیجه‌گیری آنها موافق با برداشت ما نباشد، اشکالی ندارد. در هر حال، باز هم
 تصویر خود را در نگاه مخالف فرضی دیدن گونه‌ای خویشتن‌شناسی است. گرچه،
 برخی نوشته‌ها از عناد و دشمنی خبر می‌دهند و بسیاری نیز خواهان شناخت و
 درک درستی از این پدیده هستند. با این همه، آگاهی از این دشمنان و شناخت
 علاقمندان هم نیاز ما و هم یک ضرورت است. امیدوارم این آثار، خلاء اطلاعاتی
 در زمینه شناخت جایگاه انقلاب اسلامی در کشورهای دیگر را برطرف سازد و
 همچنین مطالعات علمی مربوط به انقلاب را نیز شکوفاتر گرداند.

پیشگفتار

هدف من از نگارش این کتاب، ارائه تاریخ سیاسی - اقتصادی ایران است و در آن، میراث اسلامی جامعه ایرانی - عمدتاً بررسی رویدادهای قبل و بعد از انقلاب سال ۵۷ - در آن مدنظر قرار گرفته است. بدین دلیل است که من کار خود را با ارائه تاریخچه کوتاهی از ایران و برپایی حکومت اسلامی که ایران را نیز در برگرفت آغاز می‌کنم. سپس موضوع را بر ایران و سلسله‌های صفویه و قاجاریه که از سال ۱۵۱۰ میلادی به بعد در ایران حکومت کردند، معطوف کرده‌ام. در فصل دوم، به سلسله پهلوی که در سال ۱۹۲۶ پا گرفت می‌پردازم. رضا پهلوی تا سال ۱۹۴۱ حکومت کرد و پس از وی، پسرش محمدرضا پهلوی به حکومت رسید. این فصل به طور مشخص تنش‌های دولت و روحانیون را مورد بررسی قرار می‌دهد. کشمکش‌های بین آنها که - از یک سو در شاه در مقام حاکم و از سوی دیگر در آیت‌الله روح‌الله خمینی تجسم یافته بود - در خرداد ۱۳۴۲ به اوج خود رسید که نهایتاً در آن برهه زمانی [امام] خمینی بازنده بود و از کشور تبعید شد. دومین برخورد آنها پانزده سال بعد به وقوع پیوست که موضوع اصلی فصل سوم را تشکیل می‌دهد. این بار شاه برای همیشه ایران را ترک کرد.

دومین و طولانی‌ترین بخش کتاب حاضر را به هویت اسلامی که از میان خاکسترهای سلسله پهلوی برخاست، اختصاص داده‌ام. هر فصل را به بخش‌هایی تقسیم کرده‌ام. مسائل و مشکلات جدید که حکومت اسلامی با آنها روبرو بود و شیوه‌کشورداری و قانون اساسی حکومت اسلامی به ملت ایران، محور اصلی بحث در فصل چهارم کتاب حاضر است. بحران حاصل از اشغال سفارت آمریکا و دیپلمات‌های آمریکایی در آبان ۱۳۵۸ موضوع اصلی فصل بعدی است. در کنار این

پیشینه تاریخی، تفاوت‌هایی میان امام خمینی و رقیب اصلی وی - آیت‌الله محمدکاظم شریعتمداری - را مورد بررسی قرار داده و تاریخ شکل‌گیری مجاهدین خلق را نقل می‌کنم. فصل ششم در وهله نخست، جنگ ایران و عراق و استحلال آن در سیاست داخلی ایران و در وهله دوم، به عزل ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور ایران می‌پردازد. در فصل بعدی، تأثیر جنگ مسلحانه مجاهدین خلق بر دولت ایران؛ و همچنین، تأثیر جنگ را بر اقتصاد ایران مورد بحث قرار خواهم داد. در فصل پایانی این بخش، دلایل موافق و مخالف جنگ خلیج فارس مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. همچنین این بخش بر گستره و میزان اسلامی شدن جامعه و سازمان‌های گوناگون انقلابی که تأسیس شده‌اند مروری خواهد داشت.

در بخش پایانی که در آن به نتایج مباحث مطروحه پرداخته‌ام، ماهیت انقلاب ایرانیان را با بررسی نیروهای اجتماعی که در این امر - گاه به سود آن و گاه علیه آن - دخالت داشته‌اند تحلیل خواهم کرد و در مورد آثاری که رحلت [امام] خمینی بر حکومت ایران و مخالفان خواهد گذارد حدسیات خود را ابراز خواهم کرد. همچنین، تمامی احتمالات جنگ خلیج فارس و تأثیر هر یک از نتایج نهایی که این جنگ بر آینده انقلاب اسلامی خواهد داشت مورد مطالعه قرار خواهم داد.

سه دیداری که پس از انقلاب از ایران داشته‌ام - که حدود ۴ ماه طول کشید - برای به دست آوردن آگاهی و شناخت موثق و بی‌واسطه از تغییراتی که ایران شاهد آن بوده، مفید و مؤثر بودند. علاوه بر تهران، شهرها و روستاهای اطراف آن، از قم، خمین (زادگاه [امام] خمینی) و شهرهای مختلف آذربایجان و خوزستان نیز دیدن کرده‌ام.

در اینجا لازم می‌دانم مختصری درباره نام مکان‌ها و تلفظ واژگان عربی و فارسی توضیح دهم. اصطلاح «خلیج» [فارس] را برای خلیجی بکار برده‌ام که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌کند. راه و روش استانداری برای تلفظ نام‌های عربی و فارسی وجود ندارد و من منحصرأ یکی از رایج‌ترین روش‌های هجی مرسوم در کشورهای انگلیسی‌زبان - به جز در مواردی که هجی نام نویسنده دیگری با آنچه من استفاده کرده‌ام تفاوت دارد - را استفاده کرده‌ام. در این موارد من تنها از تلفظ نام‌ها به آن صورت که قبلاً استفاده و چاپ شده است را دوباره سود برده‌ام. مشکل حاد زمانی پیش می‌آید که تلفظ‌های مختلف از یک نام خاص یا یک شیئی با

حرف دیگری شروع می‌شوند. قرآن (Koran, Quran) و قم (Qom, Ghom) مثال‌های آشنای این گونه موارد هستند. من این مشکل را بدین طریق حل کرده‌ام که هر دوی آنها در نمایه آورده شده‌اند ولی در متن کتاب یکی از هجی‌ها را استفاده کرده‌ام.

به طور کلی، سعی کرده‌ام تا ساده و یکدست بنویسم. به جای نوشتن a من aa را انتخاب کرده‌ام و به جای دنباله‌روی از آن دسته از نویسندگان که شیعه و علوی را Shiite - Alawite می‌نویسند ولی سُنی را هرگز Sunnite نمی‌نویسند، من همواره از Sunni, Alawi, Shia استفاده کرده‌ام. هر یک از اصطلاحات مجاهدین خلق و مجاهدین و همچنین فدایی خلق و فدایی را به جای یکدیگر استفاده کرده‌ام. از آنجا که اکثر کلمات عربی که در متن کتاب وجود دارند جزیی از واژگان فارسی هستند، یک فهرست دو زبانه عربی و فارسی را جمع‌آوری کرده‌ام. ریال، واحد پول رایج ایران است.

در ایران عناوین مذهبی همواره در ابتدای نام فرد می‌آیند در حالی که عناوین غیر مذهبی بعد از نام افراد قرار می‌گیرند. به طور مثال، نام [امام] خمینی، آیت‌الله خمینی و عنوان شاه ایران، محمدرضا شاه پهلوی عنوان می‌شود. کلمات عربی و فارسی زیر بر عناوین مذهبی و غیر مذهبی دلالت دارند: آیت‌الله، دولت، حضرت، حجت‌الاسلام، امام، مهدی، سلطنه، سید، سپه‌دار اعظم، شاه، شهبانو، شاهنشاه، شیخ و سلطان.

دیلیپ هیرو

ژوئن ۱۹۸۴ میلادی

مقدمه

کشور ایران در دوره‌ای شش ساله، در مقایسه با کشورهای دیگر در دوره‌ای شصت ساله، شگفتی بسیاری آفریده است. نهضت انقلابی در ایران، زمانی بپا خاست که این کشور شاهد شکوفایی اقتصادی، اقتدار نظامی و ثبات سیاسی بود. این نهضت به دست یک روحانی هفتاد و پنج ساله به نام آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی، خارج از کشور رهبری شد. او برای قدرت بخشیدن به نهضت خویش و از بین بردن خاندان پهلوی تکیه فراوانی بر اسلام، عقاید، اعیاد و عادات اسلامی داشت و در روند نهضت خویش قوی‌ترین ماشین نظامی منطقه را خنثی کرد. [امام] خمینی که رهبری نهضت را به عهده داشت هیچ‌گونه حزب سیاسی سازماندهی شده یا برنامه‌ای برای نظام اجتماعی بعد از حکومت پهلوی نداشت.

در ۱۳۵۶، ایران در پانزدهمین سال رشد اقتصادی خود بود. در این دوره، رشد اقتصادی و درآمد سرانه پنج برابر و بین سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۶ میزان قانونی دستمزد از هشتاد ریال به دویست و ده ریال افزایش یافته و ایران قوی‌ترین کشور منطقه بود. نیروهای نظامی کاملاً به شاه وابسته و سرویس امنیتی و پلیس سیاسی ایران وحشت‌آفرین و مخوف بود. در شامگاه ۱۳۵۷، جیمی کارتر که به ایران سفر کرده بود، ایران را «جزیره‌ای باثبات در یکی از پرمناقشه‌ترین مناطق دنیا» معرفی کرد.

وقتی نهضت انقلابی در تابستان ۱۳۵۷ قوت می‌گرفت، شاه ایران اخباری را که به او می‌رسید باور نکرد. روزی او با یک بالگرد بر فراز پایتخت به پرواز درآمد تا تظاهراتی را که علیه او انجام می‌شد بررسی کند. این پرواز کاملاً او را آشفته کرد. او باور نمی‌کرد این همان مردمی هستند که در دسته‌های ۱۰ نفری یا ۱۰۰۰ نفری، تنها

چند ماه پیش در خیابان‌های شرقی مشهد صف کشیده بودند تا به او خیر مقدم بگویند. همزمان با فروریزی پایه‌های حکومت وی در ایران، حمایت خارجی از او نیز به سرعت کاهش یافت. حتی وفادارترین حامی او یعنی آمریکا نیز با ابهام عمل می‌کرد. وقتی که از کارتر در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در آذر همان سال پرسیده شد که آیا شاه به حکومت خود در ایران ادامه خواهد داد، او پاسخ داده بود: «من نمی‌دانم... این چیزی است در دستان مردم ایران».

طی یک سال، باثبات‌ترین کشور منطقه به آشفته‌ترین آنها بدل شد. ظهور [امام] خمینی، رهبر بلامنازع نهضت انقلابی نیز شگفتی عمده دیگر این جریان سیاسی بود. وقتی تنش سیاسی در ایران پدیدار شد، امام خمینی ۱۳ سال را در تبعید بسر برده بود. هر چند او در رهبری مخالفت‌های قبل از آن کمتر حضور فیزیکی داشت اما او از لحاظ آموخته‌هایش و میل باطنی خود بیشتر یک آموزگار مذهبی بود تا سیاستمدار. وی به واقع یک انقلابی یا حتی درس خواندهٔ مکتب انقلاب بود، اگر چه در غرب کمتر کسی چیزی از او شنیده بود. علیرغم تألیفات فراوان [امام خمینی] سازمان سیا حتی یک عنوان از این کتاب‌ها را در دست نداشت. با وجود آگاهی محدود امام از فرآیند حرکت‌های انقلابی، ایشان خیلی زود نیروی بالقوهٔ انقلابی را که در متن مخالفت‌های مردمی سال ۱۳۵۶ وجود داشت، تشخیص داد. او از پیشینهٔ دینی و وطن‌پرستی ایرانیان برای ایجاد و تقویت حس جدال ضد سلطنتی به زیرکی بهره برد. ساده زیستی او جایگاه ویژه‌ای در میان مردمی که از فساد و زندگی اشرافی سیاستمداران به ستوه آمده بودند برای او پدید آورد. این حقیقت که مردی با خدا بود به وی گونه‌ای اعتبار الهی بخشید که رهبران غیر مذهبی فاقد آن بودند. او پیام خود را واضح و روشن بیان می‌کرد و همچون رهبران انقلابی قبل از خود گروه‌های گوناگون مخالف را در زیر یک پرچم و یک هدف والا گرد هم آورد و این کار چیزی نبود جز پایان سلطنت شاهنشاهی.

در تمام دنیا، انقلابیون زمانی سنگین‌ترین آزمایش خویش را تجربه می‌کنند که در برابر نیروهای نظامی قرار می‌گیرند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبود. بزرگترین مشکلی که رهبران انقلاب با آن مواجه شدند این بود که چگونه بر نیروهای مسلح وفادار به شاه که بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ نفر می‌شد فائق آیند. البته امام برای این مشکل نیز راه‌حلی منحصر به فرد ارائه کردند. او همه را به جنگ با

سربازان تا سرحد شهادت فرا خواند. او گفت بگذارید ارتش هر چقدر می خواهد کشتار کند تا بدان حد که وجدان سربازان به واسطه خونریزی ها بیدار شود. چرا که پیش بینی می کرد ارتش فرو خواهد پاشید و چنین نیز شد. در فردای انقلاب حتی یک سرباز در پایتخت باقی نمانده بود.

این موضوع که انقلاب به پیروزی خواهد رسید برای انقلابیون، شاه و حمایت کنندگان خارجی او به یک میزان شگفت آور می نمود. هنگامی که از آیت الله مرتضی پسندیده برادر بزرگتر [امام] خمینی سوال شد که دقیقاً چه زمانی را برای پیروزی انقلاب پیش بینی می کند، وی پاسخ داد که انتظار پیروزی انقلاب را ندارد. انقلاب بیشتر به یک معجزه الهی شبیه بود تا حاصل تلاش یک انسان.

ائتلاف نیروهای مذهبی و غیر مذهبی که سبب به زیر کشیده شدن شاه از اریکه سلطنت شد به سرعت پس از مدتی از هم گسست. نظام اسلامی که پس از سلطنت شاه بر سر کار آمد، از مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی رنج می برد. اوضاع بحرانی باعث ترغیب نیروهای ضد انقلاب داخلی و خارجی که قصد فروپاشی نظام انقلابی را داشتند، شد. ایران در آستانه جنگ داخلی قرار گرفت، اما صرف نظر از منطقه کردستان در شمال غربی ایران، نزاع و کشمکش جدی دیگری چهره نمود، که این خود نیز شگفتی دیگری بود.

ایران با گروگان گیری دیپلمات های آمریکایی به مقابله با دخالت های خارجی پرداخت و کشوری با نیروی کمتر به مقابله با نیروی قوی تر از خود برخاست. آمریکا تا مرز مقابله نظامی با ایران پیش رفت، ولی در آخرین لحظات خود را از مخاصمه وارهانید. چه، بیم آن را داشت که اتحاد جماهیر شوروی از هرج و مرج پیش آمده سوء استفاده کند و سیطره نفوذ خود را در جمهوری اسلامی افزایش دهد. در نهایت، ایران بدون هیچ مجازاتی، گروگان های آمریکایی را برای مدت ۱۴ ماه در اسارت خود نگه داشت.

با آغاز بهار ۱۳۵۹، حکومت ایران به دلیل تحریم کشورهای غربی با مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه بود. البته این تحریم ها شامل احتیاجات اصلی و فراگیر مردم نمی شد. دلیل اصلی این که تهران توانست در مقابل فشارها تاب آورد این بود که ایران قادر بود از صنایع نفتی خود به خوبی استفاده کند و این نیز شگفتی آور می نمود. در همان حال، تعداد کمی از ناظران خارجی تصور می کردند ایران بدون

کمک متخصصان خارجی قادر به استفاده از صنایع نفتی خود نخواهد بود. ایران با ایجاد بحران در بازار جهانی نفت که باعث بالا رفتن قیمت نفت به میزان ۲ برابر شد توانست به میزان سابق و یا ثابت نگه داشتن میزان صادرات خود در سطح نیمی از صادرات قبل از انقلاب، درآمد داشته باشد.

بیشترین تحریم‌های آمریکایی و انگلیسی بر ضد ایران در حوزه سخت افزارها و قطعات یدکی نظامی بود و این در حالی بود که ایران تقریباً به صورت کامل توسط سلاح‌های آمریکایی و انگلیسی تجهیز شده بود و بالضروره می‌بایست به مقابله با تجاوز عراق، که در شهریور ۱۳۵۹ شروع شده بود، برخیزد. حمله عراق به ایران غیر قابل پیش‌بینی نبود و پاسخ ایران به این حمله نیز کاملاً غیر منتظره بود. از آن زمان به بعد، بیشتر ناظران خارجی چنین نتیجه‌گیری می‌کردند که حکومت امام خمینی محبوبیت خود را در میان مردم از دست داده و تجاوز عراق شورش‌هایی را در میان اقلیت‌های مذهبی، نیروهای نظامی و قشر متوسط جامعه رقم خواهد زد. ولی آنچه اتفاق افتاد، نقطه مقابل این پیش‌بینی‌ها بود. ملت ایران از رهبران اسلامی خود حمایت کردند و از پیشروی نیروهای عراقی جلوگیری کردند.

تاریخ نویسان آینده از جنگ ایران و عراق به عنوان واقعه‌ای که رهبران اسلامی ایران را قادر ساخت حکومت خود را در ایران مستحکم‌تر کنند، یاد خواهند کرد. هنگامی که این خطر جدی در تضعیف تمامیت ارضی جمهوری اسلامی پشت سر نهاده شد، «اختلاف شدید نیروهای اصول‌گرای اسلامی که حزب جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دادند و نیروهای مسلمان میانه‌رو که نظراتشان در سخنان ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور وقت تبلور یافته بود، بالا گرفت. در این هنگام، [امام] خمینی نتوانست از نزاع این دو جناح که موجبات از هم گسستگی نظام جمهوری اسلامی را فراهم می‌آورد؛ به سادگی بگذرد، چرا که او طرفدار حزب جمهوری اسلامی بود. این موضوع مخرب‌ترین شکاف در لایه‌های قدرت را موجب شد. قشرهایی از جامعه که از عقاید اصول‌گرایان اسلامی تأیید نمی‌گرفتند به حمایت از بنی‌صدر برخاستند و مستحکم‌ترین ائتلاف نیروهای مختلف آن زمان را پدید آوردند. در عین حال، این ائتلاف از یک سازماندهی قوی برخوردار نبود، هر چند که این موضوع نیز برای بیرون راندن طرفداران [امام] خمینی از صحنه کافی نبود. او در میان محرومان و اقشار ضعیف جامعه ایرانی که بخش عظیمی از

جمعیت کشور را تشکیل می دادند و در روند انقلاب از لحاظ سیاسی بسیار فعال شده بودند، محبوبیتی فراوان داشت و به همین دلیل شکست بنی صدر قابل پیش بینی بود. آن چه غیر منتظره می نمود وسعت و شدت خشونت نیروهای مخالف - که مجاهدین خلق جلودار آن بودند - بود که حکومت اسلامی را آماج حملات خود قرار داده بودند.

مرگ ۷۲ تن از همراهان امام بر اثر انفجار حزب جمهوری اسلامی سهمگین ترین طوفانی بود که تا آن زمان حکومت اسلامی به خود دیده بود. بسیاری از تحلیل گران داخلی و خارجی معتقد بودند نیرویی که توانسته چنین عمیق در لایه های درونی قدرت نفوذ کند، تهدیدی جدی برای حکومت خواهد بود. امیدها برای فروپاشی قریب الوقوع حکومت اسلامی یا جنگ تمام عیار داخلی تازه شد. ولی پس از چندی، بار دیگر نادرستی چنین پیش بینی هایی، به اثبات رسید. حکومت با اعمال خشونت بی سابقه و با دست زدن به بازرسی ها و دستگیری های همه جانبه و اعدام های بدون تشریفات معمول واکنش نشان داد. چرا که این حرکات می توانست باعث جدایی تعداد بیشتر مردم از انقلاب شود که این خود راه را برای براندازی رژیم نوپا هموار می کرد.

هر چند که چنین نشد و حتی نحوه مدیریت رهبران انقلاب اسلامی برای مقابله با تحرکات مجاهدین خلق و جلوگیری از جنگ داخلی، خود شگفتی بزرگ دیگر انقلاب بود.

[امام] خمینی با پشت سر گذاشتن خطرات داخلی و خارجی که جمهوری اسلامی را تهدید می کرد، فشارهای حکومت را بر مردم کمتر ساخت. دولت ایران با داشتن امنیت داخلی می توانست جریان جنگ با عراق را دنبال کند. در بهار ۱۳۶۱، ایران نیروهای عراقی را از خاک خویش بیرون راند و در مرداد همان سال وارد خاک عراق شد. به دلیل این که ایران خود قربانی تجاوز شده بود همگان انتظار داشتند که از تجاوز و ورود به خاک عراق خودداری کند ولی بار دیگر حکومت اسلامی ناظران خارجی را مات و مبهوت کرد.

ایران در دو سال بعد چندین تهاجم را نیز پی ریزی کرد که هر بار نیز به اهدافی دست می یافت. حملات ایران در اواخر سال ۱۳۶۳ جزایر مجنون - واقع در مناطق باتلاقی نزدیک مرزهای جنوبی با منابع عظیم نفتی - را برای ایران حفظ

کرد. در روند انقلاب و جنگ، ایران با مهجور نگه داشتن دو ابر قدرت شرق و غرب به دستاوردهای عظیمی دست یافته بود. چه، در تمامی مناقشات مهمی که در کشورهای جهان، پس از پایان جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده بود، دو ابر قدرت مواضع مخالف یکدیگر را داشتند.

یکی از پیامدهای این موضوع این بود که ایران تنها به منابع خویش تکیه می‌کرد. عراق برای ادامه جنگ ایران تا بهار ۱۳۶۳، بالغ بر ۴۰ هزار دلار استقراض کرد، حال آن که جمهوری اسلامی ایران نه تنها از هیچ منبع مالی خارجی استفاده نکرد، حتی تقریباً تمامی تعهدات مالی رژیم پیشین را نیز بازپرداخت کرده بود. کوتاه سخن این که حکومت جمهوری اسلامی این موضوع را به اثبات رساند که بیش از آنچه ناظران خارجی انتظار آن را داشتند انعطاف‌پذیر، راسخ و مقاوم است. چنان که جمهوری اسلامی تمامیت ارضی کشور را حفظ کرد، از افول اقتصادی جلوگیری و در کنار این‌ها جنگ با عراق را نیز با تمام قوا به پیش برد. می‌توان گفت که ایران از طریق بسیج عمومی مردم بر اساس اعتقادشان به اسلام به این اهداف رسیده بود.

بسیاری از تحلیل‌گران، ایران را الگویی از تجدید حیات اسلامی که دنیای اسلام را در دهه‌های گذشته تحت تأثیر قرار داده است توصیف می‌کردند. بیان چنین انگاره‌ای نتیجه در نظر نگرفتن تنوع درجات دینداری در طبقات متفاوت جامعه اسلامی بود. از این منظر، بیشترین تفاوت طبقات کارگر و متوسط جامعه از یک سو و طبقات مرفه و نیمه مرفه از سوی دیگر نمایان می‌گردید. گروه اول که اکثریت قابل توجهی بالغ بر ۳۲۰۰۰۰۰ نفر زائر حرم امام علی بن موسی‌الرضا در مشهد در ۱۳۵۳ را تشکیل می‌دهند.^۱ به همان میزان که در زمان سلطنت شاه مذهبی بودند، مذهبی هم باقی ماندند.

به سختی می‌توان گفت تجدید حیات اسلامی در زندگی این گروه از اقشار جامعه اتفاق افتاده بود، چرا که اینان همواره مسلمانانی پایبند بودند. اصطلاح «تجدید حیات اسلامی» بیشتر در مورد طبقه مرفه و غیر مرفه جامعه اسلامی در کشور ایران صادق است. در دوران حکومت پهلوی در ایران، آنها - طبقه حاکم -

۱. سالنمای آماری ایران، ۱۳۵۴، پژواک ایران، تهران، ص ۳۹۵.

افرادی غیر مذهبی و غرب زده بودند و با حال و هوای مذهبی - فرهنگی مورد قبول کشورشان کاملاً بیگانه بودند. این وضعیت بعد از انقلاب به کلی دگرگون شد. آنان به دلیل بروز انقلاب در ایران، همه قدرت سیاسی خویش را از دست داده بودند. از آنجا که روحانیون رهبران جدید ایران بودند دیگر آن شکاف مذهبی - فرهنگی که در دوران حکومت پهلوی میان طبقه حاکم و مردم وجود داشت، بی معنی می نمود. اکنون بیشتر مسلمانان در طبقه کارگر و طبقه متوسط جامعه خود را جزئی از جمهوری اسلامی می دانستند و احساس می کردند که خود نیز در اداره کشور سهیم اند و به همین دلیل آنها گرد رهبران انقلابی خویش جمع شدند تا از انقلاب حفاظت کنند.

این حقیقت که نیروی بالقوه مردم ایران تا به حال جدی گرفته نشده بود، دلیل اصلی اشتباه در تحلیل وقایع ایران قبل و بعد از انقلاب و سلسله پیشگویی های نادرست در مورد آن نیز هست. در چنین شرایطی است که ایران را می توان کشوری انگاشت که از سال ۱۳۵۶ تا به حال، موجبات شگفتی جهانیان را فراهم کرده است.